

قوانین عینی، با جهت دادن به کار و فعالیت آگاهانه و خلاق، به بهزیستی انسان‌ها مدد رسانند، آینده جامعه را بسازند، و در یک جمله تاریخ آفرین گردند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

#### زیرنویس‌ها و یادداشت‌ها

- ۱ - ترابی، علی‌اکبر: «ضرورت تاریخی» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره چهارم، سال بیستم، تبریز ۱۳۷۴، ص ۲۵۵.
- ۲ - نسبت‌گرایی تاریخی - نگرشی غیر علمی که هر گونه تجربه تاریخی را فقط برای یک زمان و یا یک لحظه مشخص و معین ارج‌دار و معتبر می‌شمارد.
- ۳ - تنوری فاکتورها یا نظریه عوامل: تعبیری تازه از پلورالیسم کهنه فلسفی در قلمرو علوم اجتماعی، که با معتبر شمردن کنش متقابل و ماشینی عوامل مختلف، با برابر شمردن اهمیت و تأثیر آنها و با انکار وحدت روند تاریخی و اجتماعی، سرانجام از شناخت قوانین عینی تکامل اجتماعی ناتوان می‌ماند.
- ۴ - حمید، حمید: «پیشنی انتقادی بر جامعه‌شناسی غرب» مندرج در مجله سخن، تهران، فروردین ۱۳۴۹، ص ۵۷۰.
- ۵ - پیشین، ص ۵۷۰.
- ۶ - ر.ک. به: ترابی، علی‌اکبر: فلسفه علوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷.

## مشارکت اجتماعی و توسعه روستایی

□ دکتر نعمت‌اله تقوی\*

### ۱ - چکیده

مقاله‌ی حاضر نخست مفاهیمی همچون مشارکت، مشارکت اجتماعی، توسعه و توسعه‌ی روستایی را مورد بررسی قرار می‌دهد و اهمیت مفهوم نوین مشارکت و نقش آن در توسعه، به ویژه در مرحله سوم تکوین و تحول نظریه‌های توسعه در جهان را شناسایی می‌کند. در جای دیگری از مقاله به چند مورد از تجارب توسعه‌ی روستایی در کشورهای توسعه‌یافته جهان اشاره می‌شود و سپس اهمیت مشارکت مردم، مخصوصاً مشارکت تهیدستان روستایی، در برنامه‌های توسعه روستایی مورد بحث و مذاقه قرار می‌گیرد.

برای روشن شدن هر چه بیشتر مفهوم مشارکت، این واژه با مفاهیمی همچون تعاون، همیاری، دگریاری و خودیاری مورد مقایسه قرار گرفته است. در بخش دیگری از مقاله، پس از طرح دیدگاه‌های ابزارگرایانه و هدف‌گرایانه مربوط به مشارکت، بحث گونه‌شناسی مشارکت مطرح گردیده و پیش شرط‌های مشارکت مؤثر و موانع مشارکت در اشکال فنی، فرهنگی - اجتماعی، ساختاری و اقتصادی مطرح شده است.

واژه‌های کلیدی: توسعه، مشارکت، روستا، برنامه‌ریزی، تعاون، همیاری، خودیاری و دگریاری.

\* - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.

جامعه ایران در دوران پس از جنگ و با ورود به مرحله سازندگی با مسائل اجتماعی و دشواری‌های زیادی مواجه است. یکی از مسائل بسیار مهمی که توجه جدی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان را به خود معطوف کرده، «توسعه اقتصادی» است.

مفهوم «توسعه» به طور جدی و در کاربرد جدید از دوران پس از جنگ جهانی دوم در محافل علمی و سیاسی مطرح شده و نظریه‌ها و الگوهایی برای جبران عقب‌ماندگی کشورهای جهان سوم و وارد کردن آنها به جرگه‌ی کشورهای به اصطلاح توسعه یافته ارائه گردیده است. «نظریه‌های توسعه» در فرآیند تاریخی تکامل خود سه دوره مهم را پشت سر گذاشته‌اند:

۱ - نظریه‌های مرحله نخست که عمدتاً در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ سده بیست عنوان شده بودند، اکثراً جنبه‌ی «اقتصادی» و «کمی» داشتند و توسط اندیشه‌پردازان کشورهای اروپایی و امریکایی با هدف «مصرف در کشورهای عقب مانده» ساخته و به آنها صادر می‌شدند. از صاحب‌نظران این دوره به افراد زیر می‌توان اشاره کرد: گالبرایس (G. K. Galbraith)، ایولکست (Yves Lacoste)، شماخر (E. Schmacher)، فرانسو اپرو (F. Perreux)، یوجن استیلی (E. Staley) و والت روستو (W. Rostow).

۲ - مرحله‌ی دوم که تقریباً از نیمه دوم دهه‌ی ۶۰ آغاز شده و تا اواخر دهه‌ی ۷۰ ادامه پیدا می‌کند، با عنوان «نظریه وابستگی» (dependency theory) معروف است و توسعه‌ی کشورهای عقب مانده را با اقتصاد سرمایه‌داری جهانی مرتبط می‌کند و با طرح نظریه‌های «مرکز - پیرامون» (center - periphery) و «اقتصاد دو بخشی» (bisectoral economy) توسعه را به صورت یک مسئله پیوستاری مطرح می‌نماید. از اندیشمندان این دوره افراد زیر قابل ذکر است: سمیر امین (S. Amin)، آندره گوندر فرانک (A. G. Frank)، سلسو فرتادو (C. Furtado)، رائول پرابیش (R.

Prebisch, حمزه علوی، آجایی (Ajayi) و محبوب الحق.

۲ - مرحله سوم که اواخر دهه‌ی ۷۰ شروع شده و به تدریج تکمیل گردیده و امروزه مورد پذیرش اکثر متخصصین توسعه در کشورهای جهان سوم است، توسعه را صرفاً به مسائل اقتصاد کمی منحصر نمی‌کند، بلکه مفاهیم جدیدی مانند «ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» و «عامل انسانی» را به عنوان «عناصر اصلی توسعه» وارد بحث می‌کند. از اندیشه‌پردازان این دوره افراد زیر مشهورترند: آر. پی. میسرا (R. P. Misra)، رام مالهورترا (R. Malhotra) عبیداله خان، سالیما عمر، عبدالحمید خان، جولوس نیره‌ره (J. Nierere) و مایکل تودارو (M. Todaru).

در این مرحله است که «مشارکت اجتماعی» مردم در برنامه‌ها و پروژه‌های توسعه نقش و جایگاه مهمی پیدا می‌کند. مفهوم «راهبردهای جایگزین» برای توسعه در این دوره مطرح می‌شود و منظور از آن این است که به جای مدل توسعه اخذ شده از خارج، مدل‌های مستقلی انتخاب شود که دارای چنین ویژگی‌هایی باشد: تکیه بر روستاها، توسعه‌ی روستایی یکپارچه، توسعه‌ی مستقل، توسعه‌ی منحصر به فرد، مشارکت تهیدستان روستایی، حفظ توازن اکولوژیک، ایجاد اعتماد به نفس (خود اتکایی) و برابری در دسترسی به امکانات (یاد او، ۱۳۶۵: ۹۴).

اتخاذ چنین نگرشی در توسعه، مشارکت را یک مسئله‌ی محوری تلقی می‌کند و «برنامه‌ریزی از پائین» را که تکیه‌گاه مردمی دارد تبلیغ می‌نماید و فرض را بر این می‌گذارد که تکیه‌گاه مردمی فقط به تنهایی یک «هدف» است، بلکه پیش شرط اساسی و ابزاری برای هر گونه راهبرد توسعه موفقیت‌آمیز می‌باشد (اوکلی، ۱۳۷۱: ۲۲).

\* \* \*

توسعه‌ی روستایی یکپارچه از طریق مشارکت همه‌جانبه توده‌های فقیر مردم در برنامه‌های عمرانی، طی یکی دو دهه‌ی اخیر در تعدادی از کشورهای رو به توسعه تجربه شده و نتایج سودمندی برای آنها به بار آورده است. نظر بر این که تجربه‌های این کشورها بیشتر از

کشورهای پیشرفته اروپائی و امریکائی برای کشور ما می‌تواند مفید واقع گردد. ذیلاً چند نمونه از آنها نام برده می‌شوند:

۱ - پان چایاتی راج (Panchayati Raj) یا جنبش عدم تمرکز دموکراتی در هندوستان که به صورت اردوهای آموزشی روستائیان اجرا شده است.

۲ - سامونل آندونگ (Samuel Andong) یا جنبش جامعه‌ی جدید در جمهوری کره.

۳ - سارودایا شرامادانا (Sarodaya Shramadana) یا بیداری مردم از طریق مشارکت در فکر و عمل در کشور سری لانکا.

۴ - آسارد (Asard) یا کارگاه‌های توسعه‌ی روستایی در بنگلادش.

۵ - چیک واکو (Chik Wakwa) در زامبیا.

۶ - سیس ترن (Sistern) در جامائیکا.

۷ - آموزش و پژوهش مشارکتی (Participating Research and Training) در مالزی.

۸ - هان (Han) در ژاپن (سالکی، ۱۳۷۲، ۷۵ تا ۱۳۲ و میسرا، ۱۳۶۵: ۹۰ و ۹۱).

عملکرد کشور بیش از یک میلیارد نفری و در حال توسعه‌ای چون هندوستان نشان داد که جز در سایه‌ی جلب مشارکت عمومی، امکان تأمین غذا برای چنان جمعیت انبوهی فراهم نمی‌گردد (سالکی، ۱۳۷۲، ص ۲۶) و تجربه‌ی ژاپن ثابت کرد که نداشتن سرمایه و فروشگاه یا هر گونه دستمایه‌ی مادی نمی‌تواند مانع از آن گردد که روستائیان تهی‌دست دور هم جمع شوند و با مشارکت راه توسعه را در پیش گیرند (همان جا، ص ۱۲۳).

### ۳ - اهمیت مشارکت

ضرورت و اهمیت مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه را می‌توان در قالب چند عنوان زیر

جمع‌بندی و خلاصه کرد:

الف) مشارکت شرط توسعه است: واژه مشارکت (participation) طی چند دهه‌ی اخیر متون

توسعه را تحت سیطره‌ی خود قرار داده است. امروزه به ندرت می‌توان سندی در مورد راهبردها (strategy) یا رهیافت‌های (approach) توسعه پیدا کرد که در آن به امر مشارکت ارجاع نشود (اصول ترویج، ۱۳۷۱، ص ۲). آنچه که امروزه موضوع مشارکت را در نشریه‌های توسعه با اهمیت ساخته، نزدیک شدن مفهوم توسعه به سمت اهداف انسانی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می‌باشد. به طور کلی، در مورد ضرورت مشارکت برای تحقق توسعه، بویژه توسعه‌ی روستایی اتفاق نظر وجود دارد و حتی برخی معتقدند که توسعه در واقع همان مشارکت است (اورکلی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۲).

ب) مشارکت عنصر کلیدی برنامه‌ریزی است: طی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ عده زیادی از متفکرین، مشارکت را یک عنصر کلیدی در توسعه روستایی قلمداد کردند. امروزه «برنامه ریزی مشارکتی» واژه‌ای جدید در ادبیات برنامه‌ریزی و توسعه به شمار می‌رود و تعداد زیادی از کارشناسان عمران روستایی به این دیدگاه تکیه می‌کنند. به نظر آنان اگر بتوان مشارکت را به طور معناداری در فرآیند توسعه گنجانید، موفقیت آن تضمین می‌شود (همان جا، ص ۳۱)

ج) مشارکت ضامن موفقیت برنامه‌های دولت است: به قول سالیما عمر (Salima Omar)، متفکر مالزیایی، دریافت سیاسی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه، مشارکت، مداخله و نظارت مردم، قابلیت سیاسی و اجتماعی نظام را در دستیابی به توسعه همراه با عدالت اجتماعی بیشتر بالا خواهد برد (عمر، ۱۳۶۵، ص ۱۲۵).

د) مشارکت سنگ بنای نظم امور جاری جامعه است: زمانی که مشارکت مردم، به ویژه تهیدستان روستایی در کلیه‌ی مراحل برنامه‌ریزی عمران روستایی، اعم از تصمیم‌گیری، اجراء، ارزشیابی، کنترل و نگهداری تحقق پیدا کند، می‌توان اطمینان حاصل کرد که پایه‌ریزی درستی برای نظم و نسق امور جامعه به عمل آمده و امیدواری به حرکت جامعه به سوی توسعه و تکامل حاصل است.

ه) مشارکت پیش شرط توسعه‌ی روستایی است: مشارکت در جوامع روستایی اهمیتی دو چندان

پیدا می‌کند زیرا فاصله میان دستگاه‌ها و ارگان‌های سیاست‌گذاری و اجرایی در شهر و پذیرندگان و بهره‌مندان این سیاست‌ها در روستا بیشتر است و به همین جهت ساز و کار پیوند و هم‌فکری و مشارکت میان نهادهای اجرایی در شهر و توده فرودست در روستا مسئله‌ی توفیق و شکست این سیاست‌ها است.

نقش مشارکت در توسعه روستایی به اندازه‌ای است که «سازمان بین‌المللی کار» (ILO) در کنفرانس جهانی «اصلاحات کشاورزی و توسعه‌ی روستایی» به سال ۱۹۷۹ اعلام داشت که «راهبردهای توسعه‌ی روستایی، توان بالقوه و کامل خویش را تنها از طریق انگیزش به کارگیری فعال و سازماندهی توده‌های روستایی... در تجزیم و طراحی سیاست‌ها و برنامه‌ها می‌توانند تحقق بخشند» (اوکلی، ۱۳۷۱، ۸۶).

به طور کلی، می‌توان ادعا کرد مشارکت چیزی نیست که دیدگاه‌های مختلف با آن برخوردی منفی یا حذفی داشته باشند بلکه قبول آن به عنوان یک ارزش در پیشبرد برنامه‌ها از بدیهیات معاصر به شمار می‌رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

#### ۴ - تعریف مفاهیم

بسیاری از نویسندگان و صاحب‌نظران مشارکت و توسعه معتقدند که یافتن تعریفی جهان - شمول برای مفهوم مشارکت غیر ممکن است (اوکلی، ۱۳۷۱، ص ۳۳) زیرا مشارکت مردم از نظر شکل و محتوا ریشه در عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی دارد و بدون شناخت آنها نمی‌توان به مکانیسم‌های درست و منطقی مشارکت مردم در برنامه‌ها پی برد. (بهروان، ۱۳۶۵، ص ۱۲۲).

مشارکت مفهومی است که جزء مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی می‌باشد و از گذشته‌های دور در متون جامعه‌شناسی مورد بحث قرار گرفته است؛ مفاهیمی چون اجتماع، همبستگی و غیره به طور عام بیانگر مفهوم مشارکت هستند. اما از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد این مفهوم با اصطلاح خاص

«مشارکت» (participation)، از مباحث توسعه، به ویژه توسعه‌ی روستائی شده و در کاربرد فنی - تخصصی مورد استفاده وسیع قرار گرفته است.

مشارکت یک حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و با مسئولیت است... با توجه به این که امروزه در مباحث توسعه، انسان محور است، طبعاً مشارکت او در امور مربوط به خود بیش از پیش مطرح می‌شود (میسرا، ۱۳۶۵، ص ۱۲)، ذیلاً به ذکر دو تعریف از مفهوم مشارکت بر اساس نظر اندیشه‌پردازان برجسته مبادرت می‌شود:

- ۱ - آر. پی. میسرا (R. P. Misra) متفکر هندی عقیده دارد «مشارکت تلاشی است سازمان یافته در جهت افزایش کنترل منابع و مؤسسات عمومی در یک وضع اجتماعی خاص از طرف گروه‌ها و افرادی که تاکنون از چنین کنترلی محروم بوده‌اند» (همان جا، ص ۱۳).
- ۲ - به نظر متفکری دیگر، مشارکت وسیله افزایش و توزیع مجدد فرصت‌های شرکت جستن مردم، بویژه تهی‌دستان جامعه در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و همیاری در توسعه و بهره‌مند شدن آنان از ثمرات آن تلقی می‌شود (اوکلی، ۱۳۷۱، ص ۳۲).

به طور کلی مشارکت را می‌توان در دو بعد مطرح کرد: وسیع و محدود.

- ۱ - مشارکت در معنای وسیع عبارت است از ایجاد نوعی احساس همبستگی و تعلق و تلاش دسته جمعی میان افراد یک جامعه به منظور نیل به یک نظام عادلانه‌ی اجتماعی، مشارکت از این دیدگاه یک جنبش و یک نهضت غیر قابل برگشت و تغییر به منظور تجدید نظر در ساختار قدرت‌های سیاسی و توزیع عادلانه‌تر امکانات و فرصت‌ها می‌باشد.

- ۲ - مشارکت از دیدگاه محدود عبارت است از متشکل ساختن گروه‌های مردم برای برخورداری از مزایای اجتماعی به منظور تأمین برخی نیازهای ضروری از طریق خودیاری. هدف مشارکت در این مفهوم آن است که بار مسئولیت دولت در تأمین هزینه و نیروی انسانی را برای انجام خدمات اجتماعی کاهش دهد (وظایفی پیرامون مشارکت،



بی تا، ص ۳).

از آنجا که مقاله حاضر تأثیر مشارکت در توسعه روستاها را مورد بررسی قرار می دهد، لذا لازم است مفهوم مشارکت در این رابطه نیز روشن شود: شرکت داوطلبانه‌ی روستائیان در برنامه‌ها و پروژه‌های عمومی از طریق انگیزش حساسیت و افزایش درک و توان آنان برای پذیرش طرح‌های توسعه و تشویق ابتکارات محلی (اوکلی، ۱۳۷۱، ص ۳۳).

باید این نکته‌ی اساسی را پذیرفت که مشارکت یک فرآیند است نه محصول ثابت و نهائی توسعه؛ به بیان دیگر مشارکت هم مقدمه‌ی توسعه است، هم رهیافتی بر آن و هم نتیجه‌ی توسعه. مشارکت، مانند خود توسعه، فرآیندی است مستمر و دائمی که در تمام مراحل برنامه‌ریزی اعم از تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی، کنترل، نگهداری و انتقاد، ساری و جاری می‌باشد (وظایفی... بی تا، ص ۸)

وارد شدن مردم در مشارکت، تنها دادن پول یا ابزار نیست زیرا قدرت، نیرو و پول مردم جزء کوچکی از مشارکت‌ایشان در کارها است. مهم، درک و شعور و باور روستائیان از طرح‌ها و جلب همیاری و ابتکار و خلاقیت آنان است (زنگنه، ۱۳۶۵، ص ۳۳)

به طور کلی، مشارکت یک فرآیند پیوسته، چند وجهی، چند بعدی و چند فرهنگی است. مسئله‌ای که از نظر روش‌شناسی در تعریف مشارکت در مسایل روستائی ایران وجود دارد آن است که در ادبیات توسعه، مفهوم مشارکت با تعریف دقیق به کار نرفته و در عمل درکی که از مفهوم مشارکت در برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستائی وجود دارد، تنها به دادن پول و در برخی موارد کمک کاری و در اختیار نهادن ابزار کار است (بهروان، ۱۳۶۵، ص ۱۳۴) که غالباً به «همیاری» تعبیر می‌شود. البته این امر در کشورهای رو به توسعه‌ی دیگری نظیر موزامبیک، تایلند و جاهای دیگر نیز مشاهده می‌شود. آنچه که از مطالعات موجود برمی‌آید، ویژگی‌های عمده برنامه‌های مشارکتی ایران احتمالاً به شرح زیر است:

۱ - مفهوم مشارکت در برنامه‌های توسعه‌ی ایران کم رنگ وضعیت است و به طور جدی به

نقش و اهمیت آن وقوف حاصل نشده است.

۲ - در ایران غالباً منظور از مشارکت بسیج مالی و کاری روستائیان و حداکثر تأمین برخی از مصالح و ابزار کار است.

۳ - در بسیاری از پروژه‌های عمران روستائی کشورهای جهان شرکت اقشار تهی دست روستائی در برنامه‌ها مورد تقاضا است، در صورتی که در ایران کلیه اقشار روستائی، علی‌الخصوص اقشار زمین‌دار و متوسط و مرفه روستائیان مورد نظر هستند.

## ۵ - تفکیک مفاهیم

مشارکت در کاربرد نوین مفهومی است که در شرایط دوران آغاز صنعتی شدن و توسعه پس از فتودالیسم مطرح می‌شود. به همین سبب نمی‌توانسته است در دوران سنتی وجود داشته باشد. آنچه در آن زمان به نام «همیاری» در سطحی نسبتاً گسترده دیده می‌شد، با وجود تشابه در مفهوم، کاربرد دیگری داشت. دگرگونی روال سنتی مشارکت در چند دهه‌ی اخیر با ورود تکنیک‌ها و روش‌های بیگانه به عرصه حیات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم آنچنان سریع رخ داده است که سازماندهی‌های سنتی نتوانسته است با سرعتی هم‌سنگ با آن تحولات تطبیق نماید (مباحثی...، بی تا، ص ۲).

در اینجا برای درک بهتر مفهوم مشارکت و تفکیک آن از مفاهیم مشابه دیگر، به تعریف چند واژه مبادرت می‌شود: تعاون، همیاری، دگریاری و خودیاری.

## ۱ - ۵ - تعاون (cooperation)

شکلی از سازمان اجتماعی اقتصادی است که در آن اعضاء با برخورداری از حقوقی برابر برای انجام فعالیتی پیمان می‌بندند و هدف آن ارضای نیازهای افراد بدون انقیاد در برابر ضرورت‌های سلطه‌جویانه سرمایه می‌باشد (بیرو، ۱۳۶۶، ص ۷۰).

## ۲ - ۵ - همیاری

مشارکت عمومی مردم (مثلاً افراد یک روستا) برای انجام کارها و طرح‌هایی است که تمامی دست‌اندرکاران سود و منفعت مشترکی از آن می‌برند مانند لایروبی قنوات، لایروبی جوی‌ها، راه‌سازی و غیره (حامد مقدم، ۱۳۶۹، ص ۴۰).

## ۳ - ۵ - دگریاری

کمک و یاری و مساعدت به غیر در صورتی که ممکن است عین این کمک و منفعت آن به خود یاریگر برنگردد مانند کمک مالی در عزاداری‌ها و عروسی‌ها و کارهای تولیدی در غیاب یک نفر (همان جا).

## ۴ - ۵ - خودیاری

مشارکتی که فرد با فرد یا افراد دیگر در انجام کارهای آنها معمول می‌دارد و دیگران نیز عین همین اقدام را برای او انجام می‌دهند مانند یاریگری در کشت و آبیاری، دروی محصولات، نشای برنج و کارهای ساختمانی (همان جا، ص ۴۱).

می‌توان دید که مشارکت مفهومی است وسیع‌تر و عام‌تر. تعاون، به ویژه در شکل شرکت‌های تعاونی (cooperatives)، حالت خاصی است از مشارکت و همیاری؛ و خودیاری و دگریاری به شیوه‌ای که در روستاهای ایران دیده می‌شوند اشکال سنتی مشارکت محسوب می‌شوند.

## ۵ - ۵ - دیدگاه‌های مشارکت

واپسین نکته در روشن کردن مفهوم مشارکت، تفکیک مفهوم آن به عنوان هدف و وسیله می‌باشد:

۱ - در دیدگاه ابزار گرایانه از مشارکت، مردم به عنوان ابزاری برای توسعه تلقی می‌شوند؛ ابزار و اهرمی که بتوان به کمک آن شرایط مطلوب را ایجاد کرد و یا به صورت مقطعی برای رهایی از بن‌بست از آنان به شکل صوری (بدون داشتن نقش جدی در برنامه‌ها) استفاده نمود.

۲ - در دیدگاه هدف گرایانه، مشارکت وسیله‌ای برای توانمند کردن مردم برای تضمین موفقیت و اعمال نقش مؤثر در توسعه به حساب می‌آید، از این رو گسترش روزافزون حضور داوطلبانه مردم و خلاقیت‌ها مورد انتظار است (اصول ترویج، ۱۳۷۱، ص ۲)

رام مالهورترا، متفکر تایلندی می‌نویسد: «مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه، هم وسیله و هم هدف است، اما من مایلیم به آن بیشتر به عنوان یک هدف بنگرم زیرا به ویژه در سطح محلی جزء جدائی‌ناپذیر توسعه به شمار می‌رود» (مالهورترا، ۱۳۶۵، ۲۳).

تردیدی نیست که در نتیجه راهبرد ابزارگرایانه، توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی در مناطق روستائی ایجاد شده، اما شواهد امر حاکی از آن است که با این روش تنها عده‌ی قلیلی از مردم روستائی به سمت مشارکت مؤثر جلب شده‌اند. این خط مشی به مشارکت کامل فقرا و توده‌ی مردم در توسعه‌ی روستائی منجر نمی‌شود... به طور کلی، اگر مشارکت به عنوان وسیله مطرح شود، راهبرد آن در جهت اصلاح و بهبود خواهد بود و وقتی مشارکت به عنوان هدف تلقی گردد، تلویحاً نوعی دگرگونی ساختاری را می‌طلبد و به آن منجر می‌شود (اوکلی، ۱۳۷۱، ۴۲).

۶ - ۵ - گونه‌شناسی مشارکت

مطالعه‌ی تجارب مشارکتی روستائیان کشورهای جهان سوم در برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد که مشارکت و اشکال آن با انواع جوامع انسانی، چه در طول تاریخ و چه در حال حاضر، ارتباط مستقیم دارد و از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و از زمانی به زمان دیگر متفاوت است. ذیلاً به برخی از اشکال مشارکت با توجه به ملاک‌های طبقه‌بندی آنها اشاره می‌شود:

۱ - از جهت عامل مشارکت، به دو نوع مشارکت خود انگیزه یا خودجوش و برانگیخته یا دستوری می‌توان برخورد کرد.

۲ - از نظر نحوه‌ی مشارکت مردم در برنامه‌ها، دو گونه مشارکت مستقیم (توسط خود مشارکین) و غیر مستقیم (توسط نمایندگان آنها) قابل مشاهده است.

۳ - از جهت میل و اراده‌ی شرکت کنندگان، مشارکت دو گونه است: اختیاری یا ارادی و

## اجباری یا تحمیلی.

- ۴ - از نظر هدف فعالیت، دو نوع مشارکت دیده می‌شود: فعال و غیرفعال.
- ۵ - از جهت نتیجه‌ی مشارکت، دو شکل مشارکت مؤثر و مشارکت غیر مؤثر قابل تفکیک است.

- ۶ - و بالاخره از نظر موضوع فعالیت، مشارکت را می‌توان به سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم کرد (اوکلی، ۱۳۷۱، ص ۸۸ / حامد مقدم، ۱۳۶۹، ص ۴۲ / مباحثی...، بی تا، ۵ / و عبیداله خان، ۱۳۶۵، ۱۷۹).

تا دهه‌ی ۱۹۸۰ اکثر پروژه‌های مشارکتی از نوع رسمی و دستوری بودند اما پس از این دهه مشارکت با رهیافت‌های خود جوش مردمی رواج پیدا کرد و به جای اشکال از پیش تعیین شده‌ی سازمانی، بسیج تهیدستان روستائی با پیشگامی و ابتکار خود آنان جایگزین شد.

## ۷ - ۵ - نقش مشارکت در توسعه

مشارکت اجتماعی مردم، به طور کلی، سه گونه تغییر در افراد ایجاد می‌کند:

- ۱ - تغییر در سطح دانش فرد: میزان معلومات و عادات او.
- ۲ - تغییر در سطح مهارت‌های وی: نحوه انجام کارهای فکری و ذهنی یا عینی و فیزیکی.
- ۳ - تغییر در ایستارها و نگرش‌های او: رفتار، تمایلات و نقطه‌نظرهای فرد نسبت به مسائل جامعه (اهداف و...، ۱۳۷۱، ص ۱۱).

اگر بخواهیم نقش مشارکت روستائیان در برنامه‌های اجتماعی - اقتصادی را به شکلی دقیق و تفصیلی بررسی کنیم، آنچه که از نظرات اندیشمندان و پژوهشگران قابل جمع‌بندی است، به شرح زیر ارائه می‌شود:

- ۱ - ایجاد انگیزه و آمادگی در مردم برای دگرگونی اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی مداوم و پذیرش طرح‌ها و پروژه‌ها.

- ۲ - ایجاد روحیه‌ی خطر کردن در روستائیان برای مقابله با مشکلات و امور ناآشنا و پیدا

کردن جرات برای ارائه‌ی راه حل‌های مناسب.

- ۳ - مردمی کردن برنامه‌های توسعه به منظور ایجاد روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری و همکاری در روستائیان از طریق لحاظ کردن نیازهای مردم و تعیین اولویت این نیازها برای سازگاری طرح‌ها و پروژه‌ها با آنها و تحکیم دموکراسی اجتماعی.
- ۴ - بالا بردن توان تصمیم‌گیری مردم در طراحی برنامه‌ها و پروژه‌های عمران روستائی به منظور تقویت روحیه نوآوری، ابداع و ابتکار و رشد استعدادها.
- ۵ - ایجاد تحولات با ثبات برای تضمین موفقیت طرح‌های توسعه در روستا از طریق شرکت مردم در کلیه‌ی مراحل برنامه‌ریزی.
- ۶ - پرورش توان رهبریت محلی از طریق شناسائی استعدادها و تجهیز و تقویت آنها به منظور تضمین ثبات و دوام برنامه‌های توسعه‌ی روستائی حتی در غیاب کارگزاران خارجی برنامه‌ها.
- ۷ - تقویت حس اعتماد به نفس و روحیه خوداتکائی در مردم از طریق واقف کردن آنها به توان و استعدادهای خود و نشان دادن نتیجه عمل و اقدام دسته جمعی.
- ۸ - تربیت انسان‌هایی با روحیه‌ی جمعی و تعاون‌گروهی و تقویت روح همبستگی و وحدت ملی و محلی از طریق انجام فعالیت‌های سازمان یافته.
- ۹ - کمک به تعدیل ساختار قدرت در جامعه و ایجاد تغییر در توزیع قدرت از طریق «قدرت دادن» به مردم یا «سلب قدرت» توسط آنان.
- ۱۰ - تسریع در روند اجرا، زمان اجرا و کیفیت اجرای طرح‌ها و پروژه‌های روستائی.
- ۱۱ - کمک به بهره‌گیری منطقی و استفاده‌ی درست از طرح‌ها و پروژه‌ها با القای احساس شخصیت در روستائیان و کوشش در جهت حفظ و نگهداری پروژه‌ها.
- ۱۲ - تأثیر در کاهش هزینه‌ی طرح‌ها با کمک پولی و کاری، دادن زمین و وسایل و ابزار، عرضه‌ی مصالح به قیمت ارزان و اغماض در مورد برخی از حقوق شخصی روستائیان.

۱۲ - افزایش آگاهی نسبت به چگونگی انجام طرح‌ها و شناخت مسائل و مشکلات جامعه و شناسایی حدود مسئولیت سازمان (مالهوترا، ۱۳۶۵، ص ۷ / اوکلی، ۱۳۷۱، ص ۴۰ / توسعه...، ۱۳۷۱، ص ۲۳ و بهروان، ۱۳۶۵، ص ۱۲۵).

#### ۸ - ۵ - پیش شرط‌های مشارکت مؤثر

اشاره شد که مشارکت، رهیافت مهم و تعیین کننده‌ای برای توسعه و یکی از پیش شرط‌های اساسی آن است. بر این مطلب باید افزود که اولاً هر نوع مشارکتی مشارکت مؤثر نیست، ثانیاً مشارکت مؤثر در معنای دقیق کلمه شرایط و مشخصاتی دارد که ذیلاً تحت عنوان «پیش شرط‌های مشارکت مؤثر» به تعدادی از آنها اشاره می‌شود. اما در وهله‌ی نخست آنها را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کنیم: نخست پیش شرط‌های مربوط به عوامل برون سازمانی، دوم شرایط مربوط به عوامل درون سازمانی و سوم پیش شرط‌های مربوط به عوامل روش شناختی و فنی. (الف) پیش شرط‌های برون سازمانی - از این رده چند مورد زیر قابل ذکر است:

۱ - وجود دموکراسی سیاسی در جامعه: مشارکت عامه در رابطه با نوعی دموکراسی سیاسی و نیز با به کارگیری فرآیندهای تغییر اجتماعی و رشدی که واژه‌ی «توسعه» به آن اشاره دارد، مفهوم پیدا می‌کند (اوکلی، ۱۳۷۱، ص ۳۱).

۲ - نقش نظارتی و ارشادی دولت: رابطه‌ی دولت با مردم در برنامه‌های توسعه‌ی مشارکتی مانند رابطه موتور با استارت در ماشین است.

۳ - تفویض قدرت و عدم تمرکز اداری: مشارکت زمانی تحقق می‌یابد که سازمان اجرائی و اداری جامعه بتواند تفویض قدرت سیاسی تا حد کوچک‌ترین روستا و عدم تمرکز قدرت اداری تا حد پایین‌ترین سطح سلطه مراتب اداری را تحقق بخشد. یعنی مشارکت به مکانیزم مداخله مردم در برنامه‌ها متکی باشد. (همان جا: ص ۸۱)

۴ - برنامه‌ریزی از پایین: مشارکت تنها در شرایطی امکان تحقق کامل دارد که برنامه‌ریزی در سطح علمی و به صورت الهام گرفته از پایین به اجرا درآید.

ب) پیش شرط‌های درون سازمانی - از این دسته به موارد زیر اشاره می‌شود:

- ۱ - خودانگیزگی مردم: مشارکت‌های تحمیلی مردم در برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی کارائی چندانی ندارد بلکه مشارکت باید خودجوش، درون‌زا و خودانگیزه باشد تا علاقه و گرایش روستائیان را بتواند جلب کند.
- ۲ - تشکّل ارادی: مشارکت روستائیان در پروژه‌ها، به ویژه در شکل مؤثر، به معنای شرکت داوطلبانه و ارادی آنها است و مشارکت‌های اجباری و غیر اختیاری موفقیت چندانی ندارند.
- ۳ - مداومت در کار: مشارکت توسعه‌ای نباید مقطعی و موقت باشد، بلکه باید به صورت مستمر و مداوم در فرآیند توسعه ادامه داشته باشد.
- ۴ - مشارکت تهیدستان روستائی: مشارکت مؤثر و کارا هنگامی به دست می‌آید که مشارکت توده‌ی مردم، به ویژه فقیرترین و کوچک‌ترین اقشار روستائی در فرآیند توسعه تضمین شده باشد.
- ۵ - همسویی و همسودی مردم: مهم‌ترین ویژگی‌های مشارکت مؤثر، سهم شدن آنان در منافع پروژه و همسویی منافع آنان است که باعث بروز خصلت تساوی و تعدیل در امر توسعه خواهد شد (یاد او، ۱۳۶۵، ص ۹۵).
- ۶ - خود اتکایی: مشارکت مؤثر، هم نتیجه خوداتکایی مردم و جامعه است و هم تقویت‌کننده‌ی آن.

ج) پیش شرط‌های روشن شناختی و فنی - از این گروه نیز موارد زیر قابل اشاره است:

- ۱ - روش اقناعی: مشارکت مردم باید از طریق برگزاری جلسات بحث و مشاوره گروهی و اقناع آنان جلب شود.
- ۲ - آگاه‌سازی مردم به سودمندی طرح‌ها: اگر مردم سودمندی طرحی را بپذیرند وارد کار (مشارکت) می‌شوند، ولی اگر قبول نکنند، دولت هم که انجام دهد آنان اعتقادی نخواهند



داشت.

۳ - اقدام سازمان یافته: تشکل مردم برای مشارکت در برنامه‌های توسعه باید به صورت

تشکل‌های گروهی فقرا و به صورتی دسته جمعی سازمان یابد.

۴ - مشارکت مستقیم: مشارکت مردم در توسعه‌ی زمانی مؤثر و مداوم است که مستقیم و

توسط خود آنان صورت بگیرد نه از طریق واسطه و یا نمایندگان.

۵ - مشارکت کامل: مشارکت وقتی مؤثر است که شامل تمام مراحل و سطوح برنامه‌ریزی

باشد: تصمیم‌گیری، اجرا، ارزش‌یابی، بازنگری و نقد پروژه‌ها، نگهداری و سهم‌بندی

منافع (همان جا، ۹۷).

#### ۹ - ۵ - موانع مشارکت

مسئله‌ی اصلی در جلب مشارکت مردم برای پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه این است که

«علی‌رغم پافشاری بر مشارکت عامه در برنامه‌های عمرانی، تجربه اجرایی آن دلگرم‌کننده

نیست... و مشارکت مردمی صحیح به ندرت به وقوع می‌پیوندد» (اوکلی، ۱۳۶۵، ص ۴۴).

در مورد علل فقدان مشارکت کامل مردم در برنامه‌ها و به بیان دیگر موانعی که موجب عدم

مشارکت یا تأخیر در اجرای آن می‌شوند، می‌توان گفت که شرح و تفسیر آنها، انعکاس‌الگوهای

عقیدتی به کارگرفته شده مفسرین هستند. به عبارت بهتر تشخیص و تعیین موانع مشارکت

ارتباط مستقیمی با نظر شخص نسبت به مشارکت دارد. در این مورد طرح مفهوم دوگانگی

«وسیله / ابزار» یا «هذه» روشن‌کننده‌ی مطلب است: دیدگاه مشارکت به عنوان وسیله، به

مجموعه‌ای از موانع اشاره می‌کند که معمولاً با روش‌های اجرایی مرتبط است و دیدگاه مشارکت

به عنوان هدف به موانعی اشاره دارد که بیشتر به روابط ساختاری و نهادی در دو سطح ملی و

محلی مربوط می‌شود (همان جا، ص ۴۵).

به طور کلی، موانع مشارکت را با هنگرشی و به هر ترتیبی طبقه‌بندی کنیم، این موانع بر سر

راه مشارکت کامل و مؤثر روستائیان در برنامه‌های توسعه وجود دارد و عدم اجرا یا کندی تحقق

آن را موجب می‌شود و در حقیقت آفت بسیاری از پروژه‌های توسعه‌ی روستائی است. با توجه به نگرش جامعی که مشارکت را هم به عنوان ابزاری برای برنامه‌های توسعه می‌شناسد و هم آن را هدف این برنامه‌ها می‌شمارد، طبقه‌بندی تلفیقی موانع مشارکت به طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرد. این طبقه‌بندی، موانع مشارکت را به چهار گروه زیر تقسیم می‌کند: موانع فنی، موانع فرهنگی - اجتماعی، موانع ساختاری و موانع اقتصادی.

#### الف) موانع فنی:

- ۱ - برنامه‌ریزی متمرکز (از بالا)
- ۲ - مکانیسم‌های ناقص عرضه پروژه یا نبود مکانیسم مناسب برای حضور مردم
- ۳ - فقدان هماهنگی‌های محلی
- ۴ - نامناسب بودن تکنولوژی پروژه
- ۵ - عدم ارتباط مستقیم محتوای پروژه با زندگی اجتماعی روستائیان
- ۶ - فقدان ساختارهای مناسب محلی
- ۷ - عدم انطباق فصول بیکاری روستائیان با زمان اجرای پروژه
- ۸ - عدم آگاهی مردم نسبت به اهداف پروژه
- ۹ - عدم آگاهی روستائیان نسبت به مزایای مشارکت اجتماعی
- ۱۰ - تلقی روستائی به عنوان وسیله‌ای برای اجرای پروژه
- ۱۱ - برگزاری دوره‌های آموزشی و مشاوره‌ای مناسب.

#### ب) موانع فرهنگی - اجتماعی:

- ۱ - سنت‌گرایی، محافظه‌کاری و مقاومت در برابر نوآوری
- ۲ - سرنوشت‌گرایی، تسلیم‌طلبی و ستم‌پذیری
- ۳ - وجود فرهنگ سکوت در میان روستائیان و وحشت از ابزار مخالفت به دلیل ترس و ضعف
- ۴ - ایستائی و عدم تحرک نسبی در جامعه‌ی روستائی

- ۵ - کم‌سوادى و بى‌سوادى روستائیان
- ۶ - کشمکش‌ها و تنش‌های قومى و محلى
- ۷ - رقابت و چشم هم چشمى روستائیان
- ۸ - دشوارى انطباق با عادات جدید یا پذیرش نوآورى‌ها
- ۹ - ترس از کار جمعى یا عدم رواج فرهنگ مشارکت در جامعه
- ۱۰ - عدم اعتماد و احتیاط‌کارى مفرط روستائیان
- ۱۱ - نفع‌طلبى شخصى مردم

#### ج) موانع ساختارى:

- ۱ - روابط حاکم سیاسى: عدم آمادگى مسئولین به توزیع قدرت در جامعه (تمرکزگرایی)
- ۲ - روابط تولیدى مسئولان بر جامعه
- ۳ - ارزش‌های عقیدتى: ایدئولوژى ضد مشارکتى
- ۴ - ارزش‌های سنتى: نظام‌های سنتى عقب‌نگهدارنده
- ۵ - بوروکراسى ادارى در تشکیلات اجرائى
- ۶ - وجود و نفوذ برخى از قدرتمندان محلى
- ۷ - وجود سیاست‌های متغایر در دستگاه‌های اجرائى
- ۸ - وجود سازمان‌های متعدد و مراجع تصمیم‌گیرى متنوع در رابطه با یک امر واحد
- ۹ - عدم پشتوانه‌ی دولتى برای هدایت مردم

#### د) موانع اقتصادى:

- ۱ - كمى درآمد خانوار روستائى
- ۲ - كمبود نیروى انسانی
- ۳ - بدهكارى روستائیان
- ۴ - شكاف طبقاتى و ناهمگونى قشربندى اجتماعى